

## جمع مستشرقین

در مجمع بین‌المللی مستشرقین که در مرداد ماه امسال در کمبریج (انگلستان) تشکیل شد جناب آقای تقی زاده و آقای دکتر احسان‌الله یارشاطر دانشیار دانشگاه شرکت جستند و سمت نمایندگی ایران را داشتند.

اخیراً که آقایان مراجعت فرموده اند از جناب آقای تقی زاده مد ظله درخواست شد که باجمال اطلاعات و مشاهدات خود را در جریان تشکیل این مجمع بفرمایند. آن جناب سواد شرحی را که در این باب بقلم ایشان در بعضی جراید طهران نوشته شده بود دادند ذیلاً همان را با شرح جدیدی که نسبت بمقاله‌ای که باز در جراید طهران از قول عبدالرحمن بدوی نقل شده برای نشر در مجلهٔ یغما مرحمت فرمودند از اینقرار:

مستشرقین مغرب زمین یعنی اروپا و آمریکا آن طبقه از علمائی هستند که فن آنها تحقیق و مطالعه و تتبع علمی در آداب (بمعنی اعم) ملل شرقی از زبان و تاریخ و ادیان و عادات و عقاید و اساطیر و آثار مکتوب و منقوش آنهاست و همه عمر آنها بغور و بحث و تدقیق و جمع معلومات و اطلاعات در این رشته و استنباط نکات مخفیة و کشف جهات دقیق آن و تکمیل و ترقی و توسعه دادن و بسط علوم مربوطه باین قسمت از شؤون بشری در نژادها و امم شرقی صرف میشود.

از سه قرن باین طرف مخصوصاً این علوم مانند همه فنون دیگر دنیا بامداومت مستمر در تحقیق و بحث ترقی فوق‌العاده کرده است و اینک علمای بزرگی در همه ممالک مغرب در این رشته تخصص داشته و تعلیم و تدریس می‌کنند و در هر یک از دارالعلوم‌های ممالک مغرب کرسی‌های مخصوصی برای هر شعبه از علوم شرقی وجود دارد و استادانی برای زبان و تاریخ و ادیان و آداب چین و هند و عالم اسلامی عربی و اقوام ترکی و مالائی و مغولی و مانچوئی و یهود و اقوام افریقائی و غیره و غیره مشغول تعلیم و تحقیق و تصنیف هستند.

مثلاً برای زبان عربی قدیم و جدید و عبرانی و آرامی و سریانی و بابلسی و آشوری و فنیقی و اوگاریت و غیره که آنها را زبانهای سامی می‌گویند استادانی

هستند که غالباً هم يك استاد برای چهار زبان اولی و یکی برای السنه قديمه آخری تخصص و کرسی مخصوص دارد .

برای زبان و تاریخ و دین قدیم مصر اساتیدی هستند که آنها را فرنگی ها از پیتولوگک ( یعنی مصر شناس ) گویند . و همچنین استادانی برای زبان تاریخ و غیره چین و اقوام نزدیک بآن بعنوان چین شناس ( سینولوگک Sinologue ) وجود دارد . از همین قرار برای السنه قديم و جدید و تاریخ اقوام ترکی و لغات و تاریخ و ادیان و اساطیر هند و هکذا ، که عده این رشته ها و شعبه ها و قتیکه زبانهای قدیم و جدید ارمنی و گرجی و سومری و ختی و غیره و غیره را نیز بشماریم بسیار زیاد میشود اساتیدی وجود دارد و از آنجمله يك شعبه هم مخصوص زبان فارسی و گاهی بعلاوه کردی و پشتو و بلوچی است و شعبه دیگری برای زبانهای قدیم ایرانی از اوستائی و فرس قدیم و پهلوی ( پارتی ) و پارسیک ( پهلوی معروف ) و صغدی و ختنی است که این چهارتای آخری را با اشکال مختلف آن مانند فارسی مانویان آسیای مرکزی زبانهای ایرانی میانه می گویند و اغلب زبان اوستی قفقاز شمالی را نیز با آنکه هنوز زنده است اساتید این رشته تحقیق و مطالعه می کنند .

این مقدمه مختصر برای بیان علم استشرق یا شرق شناسی بود که رشته کار این طبقه از دانشمندان جهان برای عامه و مردمی که خُبرت خاصی در این امر ندارند اندکی روشن گردد .

چنانکه همه ارباب فنون مختلفه در عالم از هر قبیل برای مبادله افکار و تحقیقات مخصوص خود در رشته خاص خویش از گاهی بگاهی يك مجمع بین المللی در نقطه ای از نقاط ممالک مختلف به تفاوت تشکیل میدهند و از مقر اصلی خویش بآن مجمع مسافرت نموده و قریب يك هفته یا بیشتر در آنجا مذاکره نموده و مقالات و خطابه هائی در موضوع خاصی از رشته خود مشتمل بر تحقیق جدیدی یا کشفی تازه خوانده باطلاع همکاران خارجی خود در آن فن میرسانند و همچنانکه علمای شعب مختلف علم طب و ارباب فن حکمت طبیعی ( فیزیك ) و کیمیا ( شیمی ) و نجوم و طبقات الارض و جغرافیا و علم گیاه شناسی و حیوان شناسی و غیره و غیره از تمام علوم عالم هر طبقه

جامع بین‌المللی (که باصطلاح اروپائی کنگره نامیده میشود) تشکیل میدهند و در هر دوره سه ساله یا پنجساله یا ده ساله آنرا با تغییر محل مجمع تکرار می‌کنند؛ مستشرقین دنیا نیز همانطور هر چند سال یک مجمع بین‌المللی برای اجتماع علمای آن فنون ترتیب میدهند که گاهی با پنج سال فاصله تشکیل میشود و درازمنهٔ اخیر هر سه سال یکبار منعقد میشود و آخرین مجمع بین‌المللی مستشرقین که بیست و دومین مجمع از این قبیل بود در سه سال قبل در استانبول تشکیل شد.

در این مجامع بین‌المللی گاهی بعضی از ایرانیان دانشمند یا فقط علاقه‌مند باین رشته هم حضور داشتند و گاهی اصلاً کسی از ایران اشتراک نکرده است. در نوزدهمین مجمع بین‌المللی مستشرقین که در ۱۹ سال قبل در شهر رُم پایتخت ایتالی منعقد شد اینجانب که بهرهٔ معتدبه‌ی از این علوم نداشته ولی بسیار علاقه‌مند بآن هستم بسمت نماینده از طرف ایران حضور پیدا کرده و اشتراک نمودم و خطابه‌ای نیز مبنی بر بعضی آداب در ایران قدیم که تهیه کرده بودم خواندم.

مجمع بین‌المللی بیست و سوم مستشرقین امسال بنا بود در شهر کمبریج (انگلیس) تشکیل شود و این دعوت بر طبق مرسوم مقرر در مجمع قبل (در استانبول) بعمل آمده بود علیهذا از چندین ماه قبل و در واقع از اوائل سال جاری هیئتی برای ترتیب کارهای تشکیل مجمع در انگلستان انتخاب شد و مشغول به تهیهٔ همهٔ مقدمات لازمهٔ کار و از آنجمله ارسال دعوتنامه‌ها بعلاقمندان امر در ممالک مختلفهٔ عالم شدند. از ایرانیان ساکن ایران تا آنجا که من اطلاع دارم اینجانب و آقای دکتر یارشاطر را رسماً دعوت کرده بودند و گمان میکنم علاوه بر دعوتی که از دانشگاه طهران بعمل بود از بعضی افراد دیگر هم شاید دعوتی شده بود. حضور آقای مجید موقر و آقای مسعود فرزاد که در مجمع تشریف داشتند نشانهٔ وصول دعوتی بآنها بود.

ضمناً در نتیجه اقداماتی که در مجمع بین‌المللی استانبول برای بوجود آوردن مجموعهٔ کامل و جامعی از کتب آثار مکتوب ایران از قدیمترین ادوار باینطرف از قبیل کتیبه‌ها و الواح و طومارها و غیره و غیره بعمل آمده و تصمیم رسمی برای این کار شده بود، شورائی برای اجرای این منظور انتخاب شده بود و آن شوری که مرکب

از معروفترین ایران شناسان درجه اول دنیا بود. بتهیه مقدمات این کار پرداخته و وعده مساعدتی مالی هم از یونسکو گرفته بود و قرار اولین اجتماع رسمی شوری را در جنب مجمع بین‌المللی مستشرقین منعقد در کمبریج و مقارن جلسات آن مجمع داده بودند و باز اینجانب و آقای دکتر یار شاطر را باشتراك در آن شوری دعوت کرده بودند که قبول کرده بودیم.

اولیای دولت نیز که از این دعوت مجمع بین‌المللی و شوری از ما اطلاع یافتند در این باب مساعدت لازم فرمودند و در واقع ما را بسمت نماینده ایران در مجمع تعیین نمودند. دانشگاه تهران هم جداگانه همین کار کرد و از جانب خود ما را رسماً نمایندگی داد و ما در روز ۱۷ مردادماه سال جاری باطیاره عازم مقصد گردیده و روز بعد عصری وارد لندن شدیم و پس از چند روزی تهیه مقدمات کار روز ۲۹ مرداد به کمبریج رفتیم و بلافاصله در جلسات مجمع شرکت نمودیم.

تفصیل ترتیب کار مجمع و تقسیمات و اعمال روزانه آن محتاج شرحی طولانی است فقط همین قدر شاید کافی است که گفته شود برای تنظیم جریان کار و تسهیل آن جلسات بشعب مختلف تقسیم شد و بر حسب نوع فن مربوط شعبه‌ای ایجاد نموده بودند. مثلاً در شعبه مصر شناسی که هر روز جلسات مرتبی از دانشمندان آن رشته و علاقه‌مندان بآن داشت خطابه‌هایی بترتیب خوانده میشد و همچنین در شعبه هند شناسی و ترك - شناسی و چین شناسی و هكذا و این خطابه‌ها و تقسیم آن باشخاص و تعیین وقت هر يك قبل از تشکیل مجمع تنظیم شده بود که همه روزه از ساعت ۹ صبح تا يك بعد از ظهر و از ساعت ۳ تا ۶ دوام داشت و از آن جمله شعبه اسلامی چون مواضع واشتراك كندگان آن زیاد بود بر دو شعبه فرعی تقسیم شده بود و هر دو شعبه از صبح تا غروب دائر بود. شعبه ایرانی که شامل فنون مربوط با رمنی‌ها و زبان و تاریخ آن قوم نیز بود بهمان قرار هر روز صبح و عصر منعقد بود و هر کدام از شعبه‌ها تحت اداره یا ریاست يك دانشمند متخصص آن فن انعقاد می‌یافت و علی‌الرسم این رؤساء از اهل مملکت انعقاد گاه مجمع است و در اینجا رئیس همیشه انگلیسی بود لکن آن رئیس محض احترام بسایرین غالباً ریاست و اداره عملی شعبه را بیکی از خارجیان محترم و

مقدم وامیکداشت و خود نیز حاضر و شاهد بود .

ما اغلب اوقات خود را در مجمع بین‌المللی بحضور در شعبه ایرانی و اسلامی گذرانندیم و نادراً یکی از شعبه‌های دیگر نیز در مواقعی که موضوع مورد علاقه ما مطرح بود رفتیم . در یکی از روزهای جلسات شعبه ایرانی نیز ریاست جلسه را باینجانب واگذار کردند . رئیس دائمی واصلی شعبه ایرانی آقای استاد هنینگ علامه ایران شناس معروف بود که اگرچه اصلاً آلمانی است حالا بیش از شانزده سال است که استاد زبانهای ایران قدیم در مدرسه دارالعلوم شرقی لندن است .

علاوه بر جلسات مرتب شعبه‌ها ، گاهی هم ( دوبار ) جلسه بزرگی از مقدمین اعضاء برای امور اساسی تشکیل میشد و چند بار هم شب یا عصر ضیافت‌های عمومی برای همه اعضای مجمع از طرف انجمن آسیائی انگلیس و شهردار کمبریج و دانشکده علوم شرقی کمبریج و دولت ترتیب داده شد .

ضمناً در این اثنا روزی هم جلسه شورای تدوین آثار مکتوب ایران جداگانه در تحت ریاست آقای هنینگ تشکیل شد . از قریب ۱۲ نفر از ایران شناسان درجه اول دنیا که برای اشتراك در تصنیف مجموعه سابق الذکر دعوت شده و همه قبول کرده بودند دو سه نفر نتوانسته بودند بیایند ولی وعده همکاری در خود کار داده بودند .

اینجانب نیز چنانکه ذکر شد بسمت عضوین شوری دعوت شده بودم و آقای دکتر یارشاطر را نیز بعضویت انتخاب کردند و بعلاوه ایشانرا برای منشی‌گری ( سکرتر ) دائمی شوری در ایران نامزد کرده و کار تهیه قسمتهائی را که لازمست در ایران جمع شود بعهد ایشان گذاشتند .

در این جلسه شوری تصمیمات متعددی نسبت بترتیب کار و تقسیم عمل و تصدی اقسام مختلف اتخاذ شد و مطلب عمده و مهم تدارك وجه لازم برای مخارج کار بود و اگرچه یونسکو تعهد کمکی هر ساله نموده بود آن مبلغ ها بهیچ وجه کافی و وافی بمقصود نبود . پس اینجانب بعنوان نماینده ایران کمکی را که اعلیحضرت همایونی وعده فرموده بودند و مبلغ عطیه ملوکانه را که دو هزار لیره بود بشوری اعلام نمودم که اثر فوق‌العاده خوبی کرد و بسیار موجب تشکر و ثنا و امتنان دانشمندان گردید

و قطعنامه‌ای صادر کردند که در آن بجلسه بزرگ اساسی مجمع بین‌المللی توصیه شد که از طرف مجمع رسماً اظهار تشکر و قدرشناسی از این عطیه بشود و در نتیجه جلسه مجمع با حضور اینجانب بتاريخ ۲۷ ماه اوت ۱۹۵۴ مسیحی قطعنامه رسمی در این باب تصویب نمود. علاوه بر این عطیه، اینجانب خبر مسرت بخش مکرمت و مرحمت اولیای دولت علیه را مبنی بر اعطای بیست هزار لیره انگلیسی برای کمک در انجام کار تدوین مجموعه که بموجب تصویب نامه هیأت وزراء مورخه ۱۹ تیرماه سال جاری رسماً وعده شده باطلاع شوری رساندم و این خبر بسیار خوش هم زایدالوصف مورد امتنان و خرسندی شوری واقع گردید. همچنین باز وعده جناب اشرف آقای حاج مخبر السلطنه هدایت را مبنی بر اعطای ده هزار تومان برای کمک باین کار باز به شوری اعلام نمودم و از این علاقه مندی مقامات عالیه و رجال محترم مملکتی که آثار مکتوبه تدوین شدنی مال آنست خیلی امیدوار و بانجام عملی منظور بزرگ دلگرم گردیدند. در خاتمه جلسه شوری به پیشنهاد ایران شناس معروف و نامدار سوئیدی شوری اینجانب را افتخار ریاست افتخاری بخشیده و باین سمت انتخاب نمود.

در جلسات مجمع بین‌المللی البته همه اعضای حاضر کسه بالغ بر نهصد و چهل نفر بودند بیاناتی نکرده و خطابه‌ای نخواندند فقط قریب ۳۵۰ نفر از علماء بیاناتی نمودند که سهم هر کدام قریب ۲۰ دقیقه یا کمتر بود و پس از خطابه هر کدام بحث‌ها یا انتقاداتی از طرف حاضرین بمیزان پنج دقیقه یا قدری بیشتر اجازه داده میشد. از جمله از ایرانیان آقای موقر خطابه‌ای راجع به سکه شناسی خواند و آقای فرزاد شرحی راجع به تأثیر سرودن مولوی در احوال شخص مولوی بیان نمودند که موجب استفاده شد.

در اثنای انعقاد جلسات مجمع بین‌المللی مستشرقین با اقدام بعضی از زعمای دانشمندان از مسلمین اقدامی بتشکیل جلسه‌ای برای مذاکره راجع بانحادیه بین‌المللی دانشمندان مسلمین برای نشر آثار مهمه علوم اسلامی که اساس آن در موقع انعقاد مجمع سابق بین‌المللی مستشرقین در استانبول گذاشته شده بود بعمل آمد و بنابراین در روز ۲۵ ماه اوت ساعت ۴ بعد از ظهر این جلسه تحت ریاست اینجانب انعقاد یافت.

در این جلسه جناب عبدالوهاب پاشا از تونس و استاد محمد شفیع از لاهور (پاکستان) و استاد ذکی ولیدی طوغان از استانبول و استاد عثمان توران از آنقره و استاد سامی دهن از دمشق و دکتر سلیمان مصطفی زالیس از تونس و دکتر مهدی از بغداد و چندین نفر از مستشرقین معروف اروپائی مانند استادان کاله آلمانی و کامرس آلمانی و شیل آلمانی و کوان انگلیسی و کومز اسپانیائی و دنلوپ انگلیسی و ماسه از پاریس شرکت جستند.

ابتدا از گزارش اقدامات سه سال گذشته و تدوین اساسنامه و قبول شدن این اتحادیه بسمت سازمان عضو اتحادیه بین‌المللی مستشرقین سخن بمیان آمد، بعد در بعضی اصلاحات اساسنامه بحث شد و ایجاد يك هیأت اجرائیه كوچك و دارالانشاء و هیأت اجرائیه بزرگتر و يك دفتر دائمی كار تصویب گردید. این دفتر متصدی نشریات اتحادیه و کتابخانه و فهرست کردن نسخ خطی کتب اسلامی در تمام دنیا و فهرست رجال اسلامی و غیره خواهد بود. هیأت اجرائیه مرکب از هفت نفر از داناتان مسلمان و سه نفر از دانشمندان اروپائی انتخاب شد که از آنجمله بود استاد ماسینیون فرانسوی معروف.

در خاتمه باید بگویم که آقای دکتر یارشاطر دانشیار السنه قدیم ایرانی در دانشگاه تهران که همکاری اینجانب را در این مسافرت داشتند بهترین و شایسته ترین شخص برای این کار بودند و در انجام وظیفه و اشتراك در مجامع و بحث و تحقیق نهایت لیاقت را بخرج دادند و باعث روسفیدی و سرفرازی بودند.



بعد از عودت از مسافرت و ورود بطهران در بعضی جراید ملاحظه شد داستانی از نطق يك مستشرق روسی راجع باسلام با نسبت وقوع آن نطق در مجمع بین‌المللی مستشرقین کمبریج حکایت شد، که ادعا میشود در آن نطق نسبت بدین اسلام و مؤسس آن توهین و طعن شده است. این قصه بعنوان نقل و ترجمه از يك مقاله عربی منتشر در مصر در اینجا انتشار یافته و آن مقاله عربی که مدعی وقوع چنین واقعه یعنی طعن مستشرق روسی نسبت باسلام است به عبدالرحمن بدوی مصری صاحب تألیفات معروف

نسبت داده شده است حتی قطعاتی از عین خطابه اصلی بانگلیسی بنقل از جراید انگلیسی درج شده است .

این نوع مطالب بر فرض وقوع وصحت آن با آنکه خیلی موجب تأسف و تأثر میشود مستقیماً ربطی بموضوع ما یعنی انجمن بین‌المللی مستشرقین نمیداشت اگر نه آن بود که ما ایرانیها هم در کمبریج بودیم و اگر در حضور ما واقع میشد مقتضی بحث و احتجاجی از جانب ما میشد . چون اینجانب مطلقاً هیچ خبری نه شهودی نه غیابی از این امر نداشتیم و در کمبریج هم چنین چیزی نشنیدیم و فقط در طهران در جراید فارسی چنان داستانی دیدم قدری دقت در این کار نمودم و درصدد تحقیق بقدری که ممکن بود بر آمدم ولی اثری از این مطلب نیافتم .

در دست من دو دفتر چاپی از مجمع بین‌المللی مستشرقین است که یکی شامل اسامی کُل دعوت شدگان به مجمع بین‌المللی بترتیب حروف تهجی است و مشتمل بر ۸۶۱ اسم است . این فهرست ابتدائی دعوت شدگان است ولی ظاهراً بتدریج عده بالا رفت که بنا بر آنچه گفته میشد ۹۴۰ نفر حضور داشتند با آنکه عده ای هم از همان دعوت شدگان اولی و شاید ربع یا خمس آنها حاضر نشدند . در این دفتر و فهرست‌های متمم اصلاً اسم شخصی بنام آبلایف که صاحب مقاله مصری نسبت خطابه مورد شکایت را باو داد وجود ندارد ( اگر چه اسمی باملای بلیایف دیده میشود ) . دفتر دیگر مشتمل بر تمام خطابه‌های ایراد شده در مجمع بین‌المللی از روز اول تا آخر است با اسامی ناطقین و مشتمل بر ۳۷۱ اسم ناطق و موضوع خطابه است و در میان همه این اسامی نه تنها ناطقی با اسم آبلایف نیست بلکه اصلاً خطابه ای راجع باسلام نبود جز خطابه آقای ویلیام وات در باب « مجهولات ما در باب حیات و عصر حضرت رسول » که ابدآ ارتباطی و شباهتی با بیانات منسوب به مستشرق روسی نداشت . پس هیچ نوع اثری از آن داستان منقول از آقای بدوی بدست نیامد و حتی از حضور آقای بدوی در کمبریج اطلاعی نیافتیم و اگر چه اسم او در فهرست ابتدائی دعوت شدگان ثبت است چون هیچ ملاقاتی در مجامع با ایشان دست‌نداد ممکنست اصلاً به کمبریج نیامده باشند . این موضوع خیلی مایه تعجب بلکه حیرت بود و تصور اینک که تمام قصه از اول



تا آخر با نام و نشان معمول وبی اساس و افسانه است هم سهل نبود، ولی گمان میکنم عاقبت این معما حلّ گردید از این قرار که یکی از جراید طهران اخیراً متن اصلی مقاله عبدالرحمن بدوی را که بزبان فرانسه نوشته نشر و جزئیات دیگر مطلب را مشروحاً بیان و درج کرد. آنچه از آن مقاله و شرح ضمیمه (اگر مندرجات آن صحیح بوده باشد) معلوم میشود اینست که يك مجمع دیگری غیر از مجمع بین المللی مستشرقین بعد از انقضای این مجمع اخیر در ۲۸ ماه اوت انعقاد یافته است و منظور از آن مجمع بحث در « ادیان و سنن دینی کشورهای مشرق زمین » و تتبع و تحقیق در آنها بوده است. واضح است که موضوع این مجمع ارتباطی بکار مستشرقین که کار آنها بیشتر بحث در زبانها و تاریخ اقوام شرقی بود ندارد. در آن مقاله گفته میشود که در این مجمع (بحث در ادیان) از کشورهای اسلامی فقط نمایندگان مصر شرکت داشتند که هیأتی بریاست همین آقای عبدالرحمن بدوی در آنجا حضور بهم رسانیده بودند. چنانکه معلوم است در مجمع بین المللی مستشرقین نمایندگان از همه ممالک اسلامی از ترکیه و سوریه و لبنان و تونس و پاکستان و ایران حضور داشتند و قطعاً اگر سخنی بر ضد اسلام و پیغمبر اسلام گفته میشد نمایندگان متدین پاکستان و تونس و غیره خیلی بیشتر از آقای بدوی بهیجان می آمدند و مطلب بخاموشی نمی ماند. علاوه بر این آقای بدوی در مقاله مانحن فیه از اول تا آخر همه جا از رساله چاپی بلایف حرف میزند و می گوید وقتیکه ترجمه آن رساله را « خواندم » حیران و مبهوت شدم. بنابراین خود او در موقع ایراد خطابه حضور نداشته و فقط رساله چاپی را متضمن ترجمه انگلیسی مقاله شخص روسی بوده خوانده است.

بهر حال معلوم شد جمعی برای بحث در ادیان منعقد بوده و بعضی از اعضای روسی آن بیاناتی بروسی در آنجا کرده یا اصلاً نکرده و آنچه را قبلاً تهیه و چاپ کرده بودند بزبان روسی و ترجمه انگلیسی توزیع کرده اند و این مجمع پس از انقضای کنکرة بین المللی مستشرقین عالم در کمبریج بوده که در ۲۱ ماه اوت (نه در ۲۸ آناماه) تشکیل شد و در ۲۸ خاتمه یافت و در آن از غالب ممالک اسلامی نمایندگان گانی بودند که عده آنها (از روی صورت چاپی مدعوین) ۵۱ نفر بودند و اگر هم بعضی حاضر

نبودند لاقلاً چهار خمس مدعوین آنجا بودند و اگر در مجمع بین‌المللی مستشرقین و خصوصاً شعبهٔ تبعات اسلامی آن چنان سخنانی مخالف عقاید مسلمین گفته شده بود لابد تنها حجت اسلامی يك نفر (آقای عبدالرحمن بدوی که فن اوهم بالخاصه موضوعات اسلامی نیست) بجوش نیامده و لاقلاً ده بیست نفر دیگر هم متأثر و متهیج میشدند که چنین چیزی شنیده شد. پس باقرائن مذکور وقوع چنان مذاکرانی منافی اصول اسلامی در مجمع معروف بین‌الملل مستشرقین بغایت مستعبد بنظر می‌آید واللہ اعلم.

### توضیحات از طرف مجلهٔ یغما:

**مالائی** - اقوامی که در جزایر مالزی در جنوب شرقی آسیا زندگی می‌کنند.

**مانچوئی** - از اقوام تونگوز که در منچوری در شمال شرقی چین بسر می‌برند و عدهٔ آنان امروز تقلیل کلی یافته است.

**آرامی** - از زبانهای سامی است که زمانی در آسیای غربی رواج فوق‌العاده داشته و هزوارشاهی بهلوی از یکی از لهجه‌های آن اقتباس شده.

**اوسگاریت Ugarite** - یکی از زبانهای قدیم سامی از شعبهٔ کنعانی.

**ختی** - در اصطلاح امروز یکی از قدیمترین زبانهای هند و اروپایی است که مردم مغرب‌زمین آنرا **Hittite** می‌نامند و آثار آن در آسیای صغیر بدست آمده. قوم ختی در هزارهٔ دوم قبل از میلاد بتشکیل امپراطوری مقتدری موفق شدند. این اسم اصلاً نام قوم قدیمتری بود که در همان آسیای صغیر ساکن بودند و هند و اروپایی نبودند و قوم هند و اروپایی با اصطلاح هیتی (ختی) پس از استیلا بر مسکن ختی‌های حقیقی اصلی جای آنها را گرفتند. اسم حقیقی قوم هند و اروپایی با اصطلاح ختی نسائی بوده است.

**پشتو** - زبان محلی افغانستان است که از زمرهٔ دستهٔ شرقی زبانهای ایرانی است.

**صغدی** - از زبانهای ایرانی شرقی است که در سغد قدیم بدان سخن می‌گفته‌اند و زمانی در آسیای وسطی رواج فوق‌العاده داشته و اخیراً آثار متنوعی از آن بخصوص در کاوشهای تورفان بدست افتاده. زبانی که در دهکده کوچک لغوب رایج است ظاهراً بازماندهٔ زبان صغدی است.

**ختی** - از زبانهای دستهٔ ایرانی شرقی است که اخیراً آثاری از آن بدست آمده و با صغدی و آستی نزدیک است. آثار عدهٔ این زبان آثار بودائی است.

**اوستی** - یکی از زبانهای ایرانی شرقی است که در قسمتی از قفقاز رایج است و زبان قوم آس است و دو یا سه لهجه دارد و اصلاً زبان آن دسته از سکاهاست (آلان‌ها) که بفقاز کوچیدند.

